

هزاران نفر از جوانان در مشهد علیه جمهوری اسلامی شعار دادند!

ایران، کارگران و مردم آزادیخواه را به تشدید مبارزه برای سرنگونی رژیم اسلامی و برقراری یک نظامی سیاسی آزاد، مرفه و برابر، یک جمهوری سوسیالیستی، فرامیخواند. کلیه زندانیان سیاسی و دستگیر شدگان اعتراضات اخیر باید سریعاً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

جوانان در مشهد و چند روز قبل در تهران گوشه ای از موج اوجگیرنده مبارزه برای خلاصی از کل رژیم اسلامی است. هراجماعی و به هر بهانه ای تشکیک شود بلافاصله به اعتراض علیه کل رژیم کثیف اسلامی تبدیل میشود. جمهوری اسلامی راه فراری ندارد. حزب کمونیست کارگری

تظاهرات کنندگان بود. بعد از اینکه گله انصار حزب الله به مردم حمله کردند، تظاهرات کنندگان به آنها حمله کرده و تعدادی از آنها را شدیداً کتک زدند و فراری دادند. بدنبال این درگیری صدها نفر از افراد سپاه پاسداران در محل حاضر شده و تعدادی را دستگیر کردند. تظاهراتهای دانشجویان و

هزاران نفر از جوانان در مشهد در اجتماعی که دوشنبه ۱۶ خرداد بمناسبت سفر خاتمی به مشهد برپا شده بود، علیه حکومت اسلامی شعار دادند و انصار حزب الله را کتک زدند و تار و مار کردند. "زنده باد آزادی"، "مرگ بر استبداد"، "درد بر ضدولایت فقیه" و "تانک، توپ، بسیجی دیگر اثر ندارد" از جمله شعارهای

اعتصاب دوازده ۴۰۰ کارگر شرکت سایبر

خانواده های کارگری بوجود آورده است. این در شرایطی است که هر ماهه صدها میلیون دلار صرف دم و دستگاه سرکوب و جاسوسی و گله آخوند میشود اما سهم کارگر بیحقوقی، عدم تامین حداقل زندگی، بیکاری، میلیونی بدون بیمه بیکاری، نداشتن آینده و فقدان هرگونه آزادی است. طبقه کارگر برای رهائی خود و کل جامعه از این کابوس راهی جز برافراشتن پرچم آزادی و برابری، پرچم سوسیالیسم ندارد.

یکپارچگی کارگران، نقشه اش بهم ریخته بود، در اجتماع کارگران حضور یافت و وعده داد که دستمزدهای معوقه کارگران را پرداخت کند و به سایر خواستههای آنها نیز رسیدگی کند. با این عقب نشینی مدیر عامل، کارگران به اعتصاب خود پایان دادند. لازم به یادآوری است که دستمزد صدها هزار کارگر در طول یکی دو سال گذشته پرداخت نشده و این شرایط غیر قابل توصیفی را برای

سه شنبه ۱۷ خرداد جلو درب کارگاه واقع در جاده ایذه - شهرکرد اجتماع کرده و تا جواب روشن از جانب مدیر عامل شرکت و سرپرست کارگاه هیچکس را به داخل کارگاه راه ندهند. مدیر عامل از پیمانکار ترانسپورت خواست تا کارگران را با سرویس سر کار نیاورد، اما عده ای از کارگران شیفت صبح با ماشین کرایه خود را به کارگاه رساندند و جلو در اصلی اجتماع کردند. مدیر عامل که بدلیل اتحاد و

۴۰۰ کارگر شرکت سایبر در کارگاه سد کارون شماره ۳ در ۴۰ کیلومتری جاده ایذه - شهر کرد بدنبال تعویق در پرداخت دستمزدهای فروردین و اردیبهشت ماه ۷۹ و عدم پرداخت هزینه های مرخصی، صبح روز دوشنبه ۱۶ خرداد (۵ ژوئن) دست به اعتصاب زده و کلیه فعالیتهای کارگاه را متوقف کردند. بدنبال تهدید مدیر عامل شرکت مبنی بر تعطیل کارگاه، کارگران قرار گذاشتند تا روز

"آغاز خوش مجلس"!

مصطفی صابر



و یا بعنوان جنس مونث مورد بی شرمانه ترین تبعیضات بوده و یا کسی که حتی اجازه معاشرت با هم سن سالهای خود را نداشته یکبار دیگر اثبات کرد که وقت و فرصت را نباید از دست داد. برای بدست آوردن حتی ابتدایی ترین حقوق انسانی باید هرچه زودتر به کل حیات رژیم اسلامی و با همه دار و دسته ها و دادگاه و مسجد و سپاه و ارتش و مجلسش پایان داد.

خودشان نیست. بنا به منفعت رژیم اسلامی برای حفظ خود، گاه خاتمی باید به جلوی صحنه بیاید و مثل روزهای ۱۸ تیر نعره میزینم و میکشیم سر بدهد، گاه خامنه ای باید زبان چاپلوسی دراز کند و از "اصلاحات" سخن بگوید، گاه رفسنجانی با وجود تمام تقلاهای جناح راست باید به دست خود و با اقتضاح مهر باطل شد بر پیشانی خود بکوبد و گاه کروبی دوزخدادی بر مسند او بنشینند و در اولین سخنرانیش بعنوان رئیس مجلس خطبه های کهنه او را تکرار کند. تا کی این ماجرا ادامه خواهد داشت؟ "آغاز خوش" مجلس و کرکری خواندن جناح راست و جبونی دوزخداد، برای کسی که ماهها و در همین دولت خاتمی دستمزد نگرفته

قبیل و قال رسانه های غرب و اپوزیسیون دوزخداد در مورد "دمکراسی اسلامی" و "انتخابات نسبتاً عادلانه" مجلس اسلامی را بخواند، تقلبات عیان و آمدن رفتن هایی رفسنجانی را دنبال کند و در آخر سر برآوردن یک عمامه بسر ۲۴ عیار را در راس مجلس ببیند، نمی تواند به ماهیت مضحک و کمیک این موجود و هواداران و تحسین کنندگان آن از ته دل نخندد. اما اگر این کمدی مبتذل در راس جامعه ایران در حال اجراست فقط به دلیل اینست که در بطن جامعه جنگی عظیم، جدی و واقعی جریان دارد. جنگ جامعه تشنه آزادی و رهایی با کل جمهوری اسلامی. نه جناح راست و نه دوزخداد اختیارشان دست

این عبارت از سرمقاله کیهان، یک روز بعد از "رای بالای کروبی" در انتخاب ریاست مجلس است. کیهان همچنین نوشت که "محافظه کاران و مقامات بالای نظام" به کروبی "اعتماد کامل" دارند و اظهار امیدواری کرد با اینهمه "پیروان امام در هیات رئیسه مجلس ششم" اقدامات بعدی مجلس نیز بر وفق مراد جناح راست پیش برود. از آنسو دوزخدادی ها در اولین روزهای مجلس نمایش کاملی از جبونی و گیجی به صحنه آوردند. گفتند که خودشان عامدانه و برای احتراز از "رقابتهای پیش از موعد" اصلاً وارد "مبارزه" جدی بر سر انتخاب هیات رئیسه موقت مجلس نشدند! گویا، اگر از مصرف زیاد ترشی احتراز کنند، قرار است که "بعدا" بر سر انتخاب هیات رئیسه دائم مجلس خودی نشان دهند. اگر مورخی بعدها سرنوشت این موجود عجیب یعنی مجلس اسلامی ششم را تحقیق کند، آنهمه

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

نکاتی درباره سازماندهی حزبی در ایران

گفتگو با کورش مدرسی

افرادی که همدیگر را میشناسند، با هم هم‌منظر هستند و بهم اعتماد دارند با هم فعالیت کنند و جمع های طرفدار یا دوستدار حزب درست کنند. این فعالیت و روابط باید بر مبنای ارتباط طبیعی این افراد با هم، مثل همکار بودن، هم کلاس بودن، دوست قدیمی بودن، فامیل بودن و غیره، استوار باشد. یکی از اولیه ترین و مهمترین کارهای این جمعها این است که خودشان را از طریق خارج کشور به حزب وصل کنند. ما فعالیت جمعی و تشکیل جمع های حزبی را تشویق میکنیم و این پایه فعالیت حزب است. اما فعالیت فردی هم جای خودش را دارد. باید در نظر داشت که فعالیت سیاسی و کمونیستی فردی طولانی مدت ادامه نخواهد یافت. دیر یا زود فرد یا دیگران ارتباط برقرار میکنند، آنها را به نظراتش جلب میکنند و به فعالیت مشترک میکشاند. اما این کار پیش شرط ارتباط با حزب نیست. اگر کسی همین امروز تصمیم دارد با حزب فعالیت کند میتواند با حزب تماس بگیرد و کارش را شروع کند. ما از چنین ارتباطی استقبال میکنیم.

سوال: عضویت در حزب به چه صورت است؟ آیا حزب در ایران ارگانی برای عضو گیری و پذیرش و اعلام عضویت علاقمندان سازمان داده است؟

کورش مدرسی: نحوه اعلام عضویت در داخل کشور هم به مساله امنیت گره میخورد. در شرایط اختناق یا شرایطی که هنوز پلیس قدرت سرکوب و قلع و قمع دارد، وقتی به کسی رسماً ابلاغ کنید که عضو حزب است ممکن است بلحاظ امنیتی مشکل آفرین باشد. در نتیجه سیاستی که ما داریم این است که در ایران هرکس که خودش را در اهداف حزب شریک بداند و بخواهد با حزب فعالیت کند و فعالیت، هرفعالیتی، در این رابطه بکند ما این فرد را عضو حزب میدانیم، خودش میتواند خودش را عضو حزب بداند. ما این عضویت را بدلاتل امنیتی ابلاغ نمیکنیم. اما با باز شدن شرایط همه این رفا بعنوان اعضای باسابقه حزب رسمیت خواهند یافت.

و فعالیت های حزبی را در این متن انجام دهند. در مورد ارتباط این شبکه ها با حزب یعنی در مورد شکل سازمانی حزب در داخل کشور ما فعلاً سیاست سازماندهی منفصل را پیش میبریم. بدین معنی که محافل طرفدار حزب در داخل کشور مستقیماً به مرکز حزب در خارج کشور وصل میشوند.

البته روشن است که با عوض شدن شرایط و تغییر تناسب قوا ما هم باید شکل هرمی را در پیش بگیریم. اما در شرایط فعلی همانطور که گفتم هر واحد یا جمع حزبی یا دوستدار حزب مستقیماً به کمیته داخل وصل میشود. به این دلیل که در این سیستم اشتباه و یا ضربه در یک شبکه به دیگر واحدهای تشکیلات سرایت نمیکند و همچنین اطلاعات مربوط به فعالین حزب در یک جا جمع نیست. حزب در ایران کسی را برای سازماندهی سراغ کسی نمیفرستد. کسی را به کسی وصل نمیکند. حزب در ایران نمایندهای برای تماس با کسی نمیفرستد که بگوید من با حزب هستم و آمدهام شما را سازمان بدهم و یا بگوید من واحد دیگری هستم که آمدهام با شما تماس بگیرم تا با هم کار کنیم و غیره. هر واحد و جمعی برای خودش کار میکند و مستقیماً به کمیته داخل وصل است. البته شبکه محافل کمونیستی گسترش پیدا میکنند و در متن فعالیتشان به شبکههای دیگر برواوند خورد که هم طبیعی است و هم لازم.

نحوه ارتباط شبکه ها با حزب در شرایط فعلی ارتباط از طریق خارج کشور است. این جمع ها باید یا کسی از خودشان را به خارج کشور بفرستند تا با حزب تماس بگیرند. کافی است به یکی از تلفن های حزب زنگ بزنند و بخواهند ارتباطشان با کمیته داخل وصل شود. یا میتوانند این کار را از طریق دوستان و نزدیکان معتمدشان در خارج کشور انجام دهند.

اینکه گفتم ما جمع ها را بهم وصل نمیکنیم یعنی فعالیت صرفاً فردی نیست. یعنی هرکس خودش تنهایی فعالیت کند و با حزب تماس بگیرد. گرچه این نوع فعالیت هم میتواند انجام شود اما ما تشویق میکنیم که

مطلب زیر متن تلخیص شده گفتگوی رادیو انترناسیونال با کورش مدرسی دبیر کمیته داخل حزب کمونیست کارگری است

سوال: سازمان حزب کمونیست کارگری در ایران به چه شکل است؟ چه ساختار و واحدهای سازمانی ای ایجاد میکنید و اعضا در چه ارتباطی با هم قرار میگیرند؟

کورش مدرسی: در شرایط غیر پلیسی و غیر استبدادی، نظیر شرایط در اروپا که احزاب کمونیستی قانونی اند و میتوانند علنی فعالیت کنند، اعضای حزب در حوزهها، خانههای حزب و سایر اشکال دیگر سازمانی علنی جمع میشوند و فعالیت میکنند. در این شکل سازمانی سازمانها و تشکل های احزاب لایه لایه روی هم قرار دارند. مثلاً حوزه حزبی، کمیته کارخانه، کمیته شهر، کمیته کشوری، کمیته خارج کشور و غیره. که به آن سازمان هرمی میگویند. هر واحد یا تشکل حزبی به لحاظ سازمانی زیر نظر کمیته مافوق خود فعالیت میکند و از طریق این کمیته به حزب وصل میشود. اما در تناسب قوای فعلی، این شکل سازمانیابی هرمی را در ایران نمیتوان پیاده کرد. فعالیت تشکیلاتی ما در ایران لاجرم فعلاً اساساً بر متن روابط طبیعی شبکه محافل کمونیستی انجام میگردد. انسانها وقتی میخواهند در محیط اجتماعی اطرافشان دخالت کنند، وقتی میخواهند با چیزی در بیفتند و یا حتی اگر بخواهند تفریح یا ورزش کنند، با کسان دیگری که در محیط اطرافشان بطور طبیعی وجود دارند جمع میشوند و این فعالیت را با هم انجام میدهند. حزب کمونیست کارگری فعالیت سازمانیش را بر متن همین روابط پیش میبرد. ما کسانی را که با اهداف و سیاست های حزب موافق هستند تشویق میکنیم تا فعالیتشان را در همین متن انجام دهند. به این محافل، شبکه ها و روابط در سطوح مختلف خصلت آگاهانه تری بدهند، سعی کنند که اینها را به شبکه کمونیستی و حزبی تبدیل کنند، این شبکه ها را بعنوان اهرم دخالت در فضای سیاسی و مبارزاتی بکار گیرند

خانوادهای را نباید تامین کنند، مجبور به کار نیستند، زندگی اجتماعی خاصی را مجبور نیستند به پیش ببرند و غیره. حزب ما این تصویر را از عضو ندارد. هر انسانی که خودش را در عقاید و آرمانهای حزب شریک بداند و بخواهد به هر درجهای و به هر نوعی به گسترش این آرمانها و عقاید در حدی که خودش تشخیص میدهد کمک کند میتواند عضو حزب باشد. در نتیجه هرکس میتواند در این چهارچوب عضو حزب شود.

حزب ما در ایران کارهای زیادی دارد. ما میخواهیم سیاست و آرمان حزب به سیاست و آرمان مردم هرچه بیشتری تبدیل شود. میخواهیم نظرات عقب مانده را با نظرات پیشرو و کمونیستی جایگزین کنیم. میخواهیم شعارها، مطالبات و تاکتیک های حزب به پرچم تعداد هرچه بیشتری از مبارزات مردم و بویژه طبقه کارگر تبدیل شود. میخواهیم اسلام را عقب بزنیم. عقاید و نظرات تبعیض آلود نسبت به زنان، جوانان، ملیتها و نژادهای مختلف را کنار بزنیم و معیار های انسانی را جایگزین آن کنیم و یک جامعه آزاد، شان، برابر و مدرن و انسانی را سازمان بدهیم. برای عملی کردن این آرمان دنیائی از کار هست. هرکس و هر جمعی میتواند در محیط اطرافش به نسبت توان خود در این راه کار کند. کار در جنبش کارگری، کار در جنبش زنان، در میان جوانان، دانش آموزان و دانشجویان، جنبش روشنفکری و روشنگری و غیره و غیره. ما میخواهیم رهبران این جنبش ها و حرکات هرچه بیشتر خود را متعلق به آرمان و هدف حزب بدانند و در رابطه با آن کار کنند. میخواهیم شعارها و آرمانهای حزب را به مردم هرچه بیشتری بشناسانیم. هرگوشه ای از این کار ارزشمند است. فعالیت در کارخانه و در جنبش کارگری، در جنبش زنان، جوانان، در جنبش سیاسی عمومی و در میان روشنفکران، بهر شکلی از شعار نویسی و اعلامیه نویسی، تبلیغ رادیو و حزب، بازتکثیر و توزیع ادبیات حزب، انتشار نشریات، علنی و مخفی، ایجاد کانونها، کلوب ها و انجمن ها و غیره تا ایجاد شبکه های رهبری این حرکات و جنبش های مختلف یا جلب رهبران و فعالین فعلاً موجود آنها. این فعالیت کسی که چیزی را باز تکثیر و پخش میکند تا فعالیت کسی که میکوشد فضای محله، کارخانه، مدرسه، اداره و غیره را بدست

سوال: یکی دیگر از سوالاتی که تعداد زیادی از شنوندگان از ما کرده اند این است که یک عضو حزب در ایران چکار میکند و چگونه میتواند به ادبیات و نوشتههای حزب دسترسی پیدا کند؟

کورش مدرسی: قبل از اینکه بگویم عضو حزب چکار میکند، اجازه بدهید در مورد نحوه دسترسی به ادبیات حزب صحبت کنم. ادبیات حزب را بشیوههای مختلفی میتوان به دست آورد. ما ادبیات حزب را در داخل ایران پخش میکنیم و خیلی از اسناد ما در محافل کارگری و سیاسی مختلف میچرخد. بسیاری از دوستان و اعضای حزب میتوانند از کانالهای طبیعی و از طریق محافلی که قبلاً این نوشته ها را گرفته اند به این ادبیات دسترسی پیدا کنند. علاوه بر این امکانات دیگری هم هست. یکی از اینها صفحات اینترنت حزب است. بخش زیادی از ادبیات حزب روی این صفحات وجود دارد و قابل دسترس است. علاوه بر این ما بخش زیادی از نوشتهها و ادبیات حزب را روی یک سی دی بنام روزنه گذاشتیم که در ایران و خارج کشور قابل دسترس است. راه دیگر تامین این ادبیات از طریق خارج کشور است. دسترسی به این ادبیات از طریق دوستان و آشنایان در خارج کشور است. نشریات، کتب، جزوات و سایر انتشارات حزب از طریق میز کتاب های حزب در کشورهای مختلف و تعدادی از کتاب فروشی ها ویا از طریق دوستداران، اعضا و فعالین حزب در خارج کشور کنید که هر جمع سیاسی در ایران اگر با ما در خارج تماس بگیرد با توجه به ویژگی های امنیتی و ارتباطاتی در هر مورد مشخص ترتیبی خواهیم داد که ادبیات حزبی بدستشان برسد.

در مورد فعالیت های اعضا در حزب اجازه بدهید به یک تصویر سنتی از عضویت در احزاب رادیکال اشاره کنم. تصویر این است که عضویت در این احزاب از دو تیپ یا دو نوع آدم ساخته است. نوع اول کسانی که قهرمانند و حاضرند در هر لحظه جانشان را بدهند و کارهای قهرمانانه میکنند. در نتیجه بنا به تعریف اکثریت مردم در چنین تشکیلاتی برای خودشان جانی پیدا نمیکند چون فکر میکنند چنین قهرمانی هائی آنها برای مدت نامحدود از آنها ساخته نیست. تیپ دوم آدم هائی هستند که مشکلات زندگی بر دوششان سنگینی نمیکند. معاش و زندگی

گفتگوی نشریه نيمروز با آذر ماجدی

در مورد کنفرانس دوم مدوسا، واقعه برلین و موضوعات دیگر



بشدت با این فرهنگ مبارزه شود. آزادی و برابری زنان در ایران در گرو این مبارزه است. اما هیچگاه شرایط برای پیشبرد این مبارزه در ایران باندازه امروز فراهم نبوده است. اکنون در ایران ما شاهد رشد ضدیت با این فرهنگ پوسیده و عقب مانده بخصوص در میان جوانان هستیم. هیچگاه جنبش علیه مذهب و برای سکولاریسم این چنین در ایران توده ای و وسیع نبوده است. اما یک مانع اصلی و مهم در مقابل پیشبرد موثر مبارزه با این فرهنگ مردسالار و عقب مانده وجود جمهوری اسلامی است. پیشبرد این مبارزه در نتیجه پیش از هر چیز مستلزم سرنگونی جمهوری اسلامی است. حاکمیت یک فرهنگ پیشرو تنها در صورت وجود یک شرایط آزاد سیاسی و اجتماعی امکان پذیر است.

نیمروز: آیا از شخصیت های ادبی، فرهنگی، اجتماعی و یا سیاسی داخل هم برای شرکت در کنفرانس دوم مدوسا دعوت بعمل آمده است؟

آذر ماجدی- بله. ما از خانم مهرانگیز کار و شهلا لاهیجی دعوت کرده ایم. این خانم ها قرار بود که در کنفرانس مدوسا شرکت کنند ولی متأسفانه، مدت کوتاهی پیش از بازداشتشان بما

اساسی دیگری وجود دارند که باید در تعداد هرچه وسیعتری تکثیر و توزیع شوند برنامه حزب، جلدی چاپ شده مجموعه آثار منصور حکمت (یا مقالات مختلف آنها)، اطلاعیه های مختلف حزب، نشریات دیگر حزب مثل کارگر کمونیست، انترناسیونال، ایسکرا. یک کار مهم دیگر تبلیغ رادیو انترناسیونال از طریق شفاهی یا با تراکت و اتیکت های کوچک است. خلاصه اینکه عضویت در حزب کمونیست کارگری ایران ساده است. هر کس و یا هر جمعی که خود را در عقاید و آرمانهای حزب شریک بدانند و بخواهد در هر سطحی که میتواند با حزب فعالیت کند، میتواند خود را عضو حزب بداند.

بخشهایی از مصاحبه هفته نامه نیمروز با آذر ماجدی. متن کامل این مصاحبه در نیمروز شماره ۵۸۷ و همینطور در سایت انترناسیونال هفتگی آمده است.

نیمروز: ممکن است نظر خودتان را در مورد مقابله با "فرهنگ، سنن و ارزشهای مردسالارانه و زن ستیز در ایران" که قرار است در کنفرانس به بحث گذاشته شود، بیان فرمائید.

آذر ماجدی: فرهنگ حاکم در ایران فرهنگی شدیداً مردسالار و زن ستیز است. این فرهنگ توسط رژیم حاکم بر کشور، پاسداری و تحکیم میشود. هیچگاه در تاریخ ایران با این فرهنگ مبارزه ای جدی نشده است. حتی صریحاً توسط اغلب باصطلاح روشنفکران و ادبای ایران تحت نام مبارزه با غرب زدگی و دفاع از فرهنگ خودی در مقابل فرهنگ بیگانه یا غربی یا امپریالیستی از آن دفاع نیز شده است. آزادی زن همیشه با هزار شرط و شروط از جانب آنها مورد مقاومت قرار گرفته است.

همین که تا از آزادی زنان صحبت میشود، بلافاصله عده ای مبصر میشوند و اعلام میکنند که اما آزادی با بی بند و باری نباید اشتباه گرفته شود، خود دلیل روشنی بر حاکمیت این فرهنگ مردسالار و قیم ماب است. باید

گفتگو با گورش مدرسی

بگیرند از کسی که عقاید عقب مانده را در هر محیطی عقب میزند تا کسی که رهبر مبارزای میشود را در بر میگردد. عضو حزب میتواند هر گوشه ای از این کارها را که خودش تشخیص میدهد از در توان اوست بگیرد. اما شاید مهمترین قلم در این میان یا شاید بهتر است بگویم پایه ای ترین کار تکثیر و توزیع ادبیات حزب است. گرفتن نشریه انترناسیونال هفتگی از روی اینترنت و تکثیر و توزیع آن در هر مقداری که امکانات مالی و ملزومات امنیتی اجازه میدهد یک رکن مهم فعالیت حزب است. میتوان این نشریه را در ابعاد مقدر تکثیر کرد و به آدرسهای مختلف در ایران پست کرد. مطالب این نشریه میتواند مبنای بحث و تبادل نظر باشد. علاوه بر انترناسیونال هفتگی متون

آلمان فراهم شود. قرار بود از طریق این کنفرانس در افکار عمومی برای جمهوری اسلامی آبرو خیزد شود. ما به این مساله هم اعتراض داشتیم.

ما در مقابل این کنفرانس بیکت و افشاگری کردیم و در درون سالن کنفرانس هم اعتراض خود را اعلام کردیم. و این حق طبیعی ماست. اصلاً آزادی بیان به همین معناست. در تمام کشورهای که از آزادی خبری هست و زیر اختناق و سرکوب مستقیم و رسمی قرار ندارند، مردم و سازمانها به همین ترتیب اعتراض خود را نشان میدهند. اعتراضشان را فرضاً به آزادی بینوشه، یا به حضور جریانات راست و ارتجاعی. از اتحادیه های کارگری گرفته تا سازمانهای سیاسی و سازمان های دفاع از محیط زیست و غیره شیوه های مشابه ای را برای ابراز اعتراض شان اتخاذ میکنند.

ولی مساله اینجاست که این اعتراض آنچنان وسیع بود، آنچنان با استقبال مردم به جان آمده از جمهوری اسلامی مواجه شد، که برگزار کنندگان نتوانستند به کارشان ادامه دهند. ما هیچ اعتراضی به سخنرانی مهرانگیز کار، شهلا لاهیجی و بسیاری دیگر از سخنرانان در این کنفرانس نداشتیم. و یک دلیل روشن این مساله هم اینست که ما خودمان از این دو خانم برای کنفرانسی که خودمان کرده سازمانده آن هستیم دعوت کرده ایم. خانم مهرانگیز کار را ما پارسال هم دعوت کرده بودیم. بسیاری از سخنرانان شرکت کننده در کنفرانس برلین بارها به خارج آمده اند و سخنرانی کرده اند، دوستان ما در این سخنرانی ها شرکت کرده اند و نظرشان را ابراز کرده اند، ولی هیچگاه به سخنرانی آنها اعتراض نکرده اند.

ما در فعالیت سیاسی مان از یک اصل پیروی میکنیم: با جمهوری اسلامی نبرد میکنیم، با مخالفان جدل. و در تمام دوران فعالیتیمان هم از این اصل پیروی کرده ایم. در نتیجه هیچگونه دوگانگی ای در رفتار ما وجود ندارد. سیاست ما روشن و پیگیر است.

کارگری یک کنفرانس آلترناتیو در مقابل سالن کنفرانس سازمان داده بود. چه در بیرون کنفرانس و چه در درون آن فعالین و دوستداران حزب اعتراض خود را به حضور برخی از سخنرانان کنفرانس و به هدف تشکیل این کنفرانس ابراز کردند.

اعتراض ما به شرکت برخی از مقامات جمهوری اسلامی در این کنفرانس بود. به کسانی که در جنایات این رژیم نقش مستقیم داشتند و در برپایی سازمان های مخوف سرکوب و اختناق این حکومت جنایتکار و ارتجاعی نقش تعیین کننده داشتند، از جمله گنجی و جلالی پور. این دو تن از مقامات سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی در زمان سرکوب های خونین ده ساله اول این حکومت بوده اند. دست اینها به خون بسیاری آلوده است. اینها شاکه خصوصی دارند و باید به محاکمه کشیده شوند. یک قلم از جنایات جلالی پور نقش او در اعدام ۵۹ نفر در مهاباد است، که او درست قبل از شرکت در کنفرانس برلین در روزنامه عصر آزادگان با وقاحت تمام از این جنایت خود دفاع کرد. چنین افرادی و تمام مقامات رژیم جمهوری اسلامی که برای ایراد سخنرانی به خارج بیایند با بیکت اعتراضی حزب ما روبرو خواهند شد.

این کنفرانس توسط بنیاد هانریش بل و با دخالت کامل دولت آلمان و سفارت جمهوری اسلامی برای بهبود روابط دولت آلمان و جمهوری اسلامی، بدنبال سفر وزیر امور خارجه آلمان به ایران سازمان داده شده بود. قرار بود که روابط ایران و آلمان که بعد از ماجرای میکونوس تیره شده بود باین ترتیب رسماً دوستانه شود و مقدمات سفر خاتمی به

آذر ماجدی- در این سوال چند حکم نادرست وجود دارد. اصطلاح "بهم زده شد"، بسیار گمراه کننده است. انگار عده ای آمده اند در یک کنفرانس آرام و ساکت، میز و صندلی ها را پرتاب کرده اند و شکسته اند و هوار کشیده اند. اوضاع چنین نبود. فیلم های کنفرانس موجود است و حتی در ایران دارد خرید و فروش میشود و میتوان عین وقایع را دید. اوضاع به این صورت بود که مخالفین جمهوری اسلامی، از جمله فعالین و دوستداران حزب کمونیست کارگری، مخالفین آبرو خریدن برای این نظام جنایتکار، مخالفین شرکت مقامات رژیم در کنفرانس، در بیرون و درون سالن کنفرانس اعتراض خود را بیان کردند و علیه جمهوری اسلامی شعار دادند. تعداد مخالفین بسیار زیاد بود. دو کنفرانس، دو سخنرانی همزمان در جریان بود. حزب کمونیست

**به انترناسیونال هفتگی
کمک مالی کنید**

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

دومین کنفرانس مدوسا برگزار شد

تحت عنوان "زمینه های عینی و ذهنی دوام و بقاء مرد سالاری در ایران" فرهنگ حاکم و نقش دیکتاتوری های حاکم در ایران، بویژه جمهوری اسلامی را در بقا: این فرهنگ مورد نقد و بررسی قرار داد.

روز دوم کارگاهی در مورد "زنان و قوانین و شرایط پناهندگی" توسط مریم نمازی برگزار شد.

در این روز بعلاوه، فیلم "بخاطر همه چیز" به کارگردانی رجب محمدیان با معرفی بصیر نصیبی به نمایش گذاشته شد.

اولین سخنران روز سوم کنفرانس، مریم نمازی، تحت عنوان "مردسالاری و اسلام سیاسی" به نقش اسلام سیاسی در تحکیم فرهنگ مردسالار اشاره کرد و با توجه به تجربه خود در کار با پناهندگان جلوه هایی از این فرهنگ مردسالار را شکافت.

بهرام چوبینه دومین سخنران روز سوم، تحت عنوان "تاریخ بیداری در ایران" نمود هایی از مبارزه با مردسالاری در تاریخ ایران را مورد بررسی قرار داد.

در این روز ثریا شهابی، رئیس نهاد "اول کودکان"، کمیپ بین المللی دفاع از حقوق کودکان، این کمیپ را معرفی کرد و برنامه های آن را به اطلاع حضار رساند.

ای را در محکومیت دستگیری مهرانگیز کار و شهلا لاهیجی، از فعالین جنبش زنان و مدعوین کنفرانس، توسط جمهوری اسلامی صادر کرد و خواستار آزادی فوری این دو تن و همه زندانیان سیاسی شد. (این قطعنامه در همین صفحه آمده است)

روال جلسات کنفرانس به این ترتیب بود:

کنفرانس با سخنرانی آذر ماجدی، سردبیر مدوسا، افتتاح شد. اولین سخنران کنفرانس ثریا شهابی بود که تحت عنوان "مردسالاری و عطش جامعه برای مساوات در ایران" فرهنگ سنتی در ایران و علل بقا آن را مورد نقد و بررسی قرار داد.

سخنران دوم پروانه حمیدی تحت عنوان "کنترل جنسیت زنان" کنترل جامعه مرد سالار بر جنسیت زنان را تجزیه و تحلیل کرد.

اولین سخنران روز دوم هما سرشار بود. عنوان این سخنرانی "استری یا دشتی پرسش این است" بود که یکی از اسطوره های معروف مذهب یهود است. هما سرشار تحت این تیتر موقفیت فرودست زن در مذهب یهود را موشکافی و نقد کرد.

سخنران بعدی روز دوم، آذر ماجدی بود که در سخنرانی خود،

دومین کنفرانس مدوسا، نشریه کانون زن و سوسیالیسم، تحت عنوان "زن خوب فرمانبر پارسا" در تاریخ دو تا چهار ژوئن، برابر با ۱۳ تا ۱۵ خرداد ۱۳۷۹ در شهر کلن آلمان برگزار شد.

سخنرانان این کنفرانس، بهرام چوبینه، پروانه حمیدی، هما سرشار، ثریا شهابی، آذر ماجدی و مریم نمازی، فرهنگ مردسالار و ابعاد سیاسی - اجتماعی آن، اسلام، یهودیت و مذهب بطور عموم، سنت و فرهنگ ملی ایرانی، اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی و نقش مخرب و ارتجاعی آن بر زندگی زنان را از دیدگاههای مختلف تجزیه و تحلیل کردند.

سخنرانان بر این نکته تاکید داشتند که هر نوع بهبود جدی در وضعیت زنان منوط به سرنگونی جمهوری اسلامی است. کنفرانس در فضائی گرم و صمیمانه و با شرکت علاقمندان بسیاری که از کشورهای مختلف به کلن آمده بودند برگزار شد.

تنوع و غنای بحثهای کنفرانس، شرکت وسیع و فعال شرکت کنندگان در مباحث مطرح شده، دومین کنفرانس مدوسا را به یک تریبون جدی و باز برای همه در نقد فرهنگ مردسالاری تبدیل کرد.

کنفرانس به اتفاق آرا قطعنامه

برنامه های رسمی کنفرانس روز سوم، با سخنرانی اختتامیه و پس از قدردانی از برگزار کنندگان و گردانندگان کنفرانس و با فراخوان شرکت همگان در خرسندی نمایشی را به اجرا پایان داد.

قطعنامه مصوب کنفرانس دوم مدوسا

در محکومیت بازداشت مهرانگیز کار و شهلا لاهیجی

کنفرانس دوم مدوسا در شرایطی برگزار میشود که دو تن از فعالین دفاع از حقوق زنان و مدعوین این کنفرانس، مهرانگیز کار و شهلا لاهیجی در زندان های جمهوری اسلامی بسر میبرند. آنها به بهانه شرکت در کنفرانس برلین و ابراز نظراتشان مورد اذیت و آزار دولت اسلامی قرار گرفته اند. آنها بخاطر جنسیتشان، بخاطر زن بودنشان مورد اهانت و بیحرمتی و محرومیت بیشتر واقع شده اند. از سرنوشت آنها اطلاع دقیقی در دست نیست. گزارشات مجامع بین المللی دفاع از حقوق بشر نیز بیانگر اذیت و آزار مهرانگیز کار و شهلا لاهیجی در زندان توسط دولت جمهوری اسلامی است. بازداشت این فعالین دفاع از حقوق زنان نشانگر عدم تحمل هر گونه ابراز عقیده مخالف توسط جمهوری اسلامی و همچنین خصلت زن ستیز این حکومت است.

شرکت کنندگان در کنفرانس دوم مدوسا

۱- دستگیری و بازداشت مهرانگیز کار و شهلا لاهیجی را شدیداً محکوم میکنند؛

۲- خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط آنها و تمام زندانیان سیاسی هستند؛

۳- از کلیه سازمان ها و افراد آزادیخواه میخواهند که فعالانه برای آزادی آنها بکوشند.

پیشنهاد دهنده: آذر ماجدی

تاریخ: ۳ ژوئن ۲۰۰۰ برابر با ۱۴ خرداد ۱۳۷۹

هم اکنون هم رژیم را دچار تنگنا کرده است. شما میتوانید مصونیت زندگی خصوصی شهروندان جامعه و تامین کار و زندگی آزادانه و بدور از هر نوع دخالتی را وسیع بر رژیم و نیروهای سرکوبگرش تحمیل کنید و هر نوع دخالت آنها را همچنان با قاطعیت پاسخ دهید. حول این خواستها متحد و متشکل شوید. جنبش مردم ایران برای آزادی و رهایی از حاکمیت

جمهوری اسلامی روز بروز گسترش مییابد. حزب کمونیست کارگری ایران برای هدایت این مبارزات و سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار جمهوری سوسیالیستی فعالیت میکند، به این حزب بپیوندید. واحدهای جوانان کمونیست را در محله، دانشگاه، دبیرستان و در هر کلوب و محلی تشکیل دهید و این اعتراضات را دیگال را رهبری کنید.

اطلاعیه کمیته کردستان حزب:

دخالت در زندگی خصوصی مردم موقوف!

بیشتری به محل اعزام شد و سرکوبگران توانستند آن دو جوان را با خود ببرند.

دخالت در زندگی و روابط خصوصی عموم مردم و بویژه جوانان یک بعد زشت سرکوبگری اسلام و جمهوری اسلامی در دو دهه اخیر در ایران بوده است.

جمهوری اسلامی در این راستا باندهای کانگستری گوناگون سازمان داده است. علیرغم این سرکوبگری، اما مقاومت و مبارزه مردم و جوانان و زنان در برابر دخالت در زندگی خصوصی و پایمال کردن حرمت و کرامت انسانی شان ادامه داشته است.

اکنون هر بسیجی و پاسدار و گروه منکراتی که بخواهد در زندگی مردم و بویژه جوانان، زنان دخالت کند، و یا بنا به آیات قرآن و موازین کثیف اسلامی بر نحوه و نوع لباسی که میپوشند، آرایش موی سر، آرایش کردن، جمع شدن و روابط آزادانه دختر

روز ۹ خرداد ۱۳۷۹ دو جوان دختر و پسر دانشجو در منزل متعلق به پسر در محله غفور شهر سنندج توسط ماموران انتظامی رژیم دستگیر میشوند.

نیروهای سرکوبگر به بهانه اینکه پسر و دختر نباید در یک خانه "خلوت کنند" با زور و توهین آنها را از منزل بیرون می آورند.

بهنگام خروج از منزل یکی از مزدوران در کمال وقاحت به مردم حاضر در محل میگوید: "بیانید و به آنها تف کنید" و خودش اول به دختر، در حالی که صورتش را پوشانده بود، تف انداخت. اما

مردم و جوانان دختر و پسر به ماموران حملهور شدند. در مدت کمی شمار زیادی جمع شدند و به این سرکوبگری و اقدام زشت جانوران اسلامی اعتراض کردند.

مردم با ایجاد راه بنندان جلو ماشینهای مزدوران را گرفته و با پاره سنگ به ماموران حملهور شدند. متعاقباً نیروهای انتظامی

Website:

www.haftegi.com

Email:

haftegi@yahoo.com

Fax: 0044-8701207768

Address:

BM Box 8927

London

WC1N 3XX

England

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت

www.haftegi.com

www.wpiran.org

www.rowzane.com

انترناسیونال هفتگی

Bank Account:

Z.I. Konto:

520 5164 008

BLZ: 10090000

Beliner Volksbank

Germany

www.iwsolidarity.com

www.medusa2000.com

www.marxsociety.com

www.kvwpiran.org